

Explaining the Principles of Social Relations between Men and Women from the Standpoint of Islam with Emphasis on the Practical Behaviours of the Prophets and Saints (Peace Be Upon Them)

Somayeh Esmaili

Corresponding Author, PhD Student, Quranic Sciences and Tradition, Usul Al Deen
College. s.esmaeili.110@gmail.com

Maryam Hajabdolbaghi

Assistant Professor ,Department of Quranic Sciences and Tradition, Seminary of Islamic
Azad University – Tehran North Branch. hajabdolbaghi@gmail.com

Abstract

The expansion of social relations and the requirements of modern human life have led to an increase in the presence of women in society and resultantly an increase in the social relations between men and women. One of the most important social issues, the relation between men and women, is knowing the basics and principles of this relation. The present research conducted through analytical-descriptive method aims at examining the principles of social relations between men and women from Islamic standpoint and employing the practical behaviours of the prophets and saints(AS). Findings showed that Islam has already recommended some moral dos and don'ts for any kind of social presence of men and women and their relations, and emphasizes that anything that leads to corruption and sedition should be avoided. Additionally, keeping respect for women's personalities; protecting their privacy; recommending them to avoid mixing, observe the principles of modesty, chastity, and hijab, and leave unnecessary mixed-gender meetings in social environments are all among the principles of male-female social relations that are the spirit of Islamic teachings and the practical behaviours of the infallibles(P.B.U.T)emphasizes and interprets them.

Keywords: *social relations between men and women, practical behaviors of the prophets and saints, mixing, chastity, hijab*

تبیین اصول ارتباط اجتماعی زن و مرد از منظر اسلام با تأکید بر سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی^۱ علیهم‌السلام

سمیه اسماعیلی

نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای علوم قرآن وحديث، دانشکده اصول الدین تهران، تهران، ایران
s.esmaeili.110@gmail.com

مریم حاج عبدالباقي

استادیار گروه علوم قرآن وحديث، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران
hajabdolbaghi@gmail.com

چکیده

گسترش روابط اجتماعی و اقتضائات زندگی نوین بشری، سبب فزونی حضور زنان در جامعه و افزایش ارتباط اجتماعی زنان و مردان گردیده است. یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی، مسئله‌ی ارتباط زن و مرد، شناخت مبانی و اصول این ارتباط می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اصول ارتباط اجتماعی زن و مرد از دیدگاه اسلام با بهره‌گیری از سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع) به روش تحلیلی- توصیفی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که اسلام برای هر نوع حضور اجتماعی زن و مرد و معاشرت با هم، باید‌ها و نباید‌های اخلاقی توصیه می‌نماید و بر این نکته تأکید دارد که باید از هر آنچه منجر به فساد و فتنه شود، اجتناب کرد. احترام به شخصیت زن و حفظ حریم، توصیه به عدم اختلاط، رعایت اصل حیا، عفاف و حجاب، ترک برخوردهای غیرضروری بین زن و مرد در محیط‌های اجتماعی از جمله اصول روابط اجتماعی زن و مرد است که روح معارف اسلام و سیره‌ی عملی معصومین (ع) آن را تأکید و تقریر می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ارتباط اجتماعی زن و مرد، سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع)، اختلاط، عفاف، حجاب

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۴/۱۸ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۲۹

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۹۳-۴۲۱

مقدمه و بیان مسئله

ارتباط اجتماعی انسان‌ها از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر زندگی بشری است. در عصر حاضر، با گسترش ابزارهای ارتباط جمعی و اقتضائات جدید، حضور زنان در جامعه به شکل گسترده‌ای افزایش یافته و روابط زنان و مردان درهم تنیده است. در خصوص روابط دو جنس مخالف، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. گروهی به این مسئله با نگاهی سخت‌گیرانه می‌نگرند و هر نوع ارتباط بین زن و مرد را جز در صورت ناچاری ممنوع می‌دانند. گروه دیگر که اهل تساهل و تسامح هستند، معتقدند هرگونه محدودیت بین زن و مرد، باعث افزایش التهاب و اشتیاق بیشتر بین آن‌ها می‌شود. در این میان، دین اسلام توجه ویژه‌ای به این موضوع نشان داده و بر اساس فطرت انسانی، خط قرمزها و حریم‌ها را به گونه‌ای روشن طرح‌ریزی کرده و در پی‌ریزی این طرح، اصول اعتقادی را در دستورات مشخصی مطرح می‌کند تا حریم زنان و مردان قابل شناسایی باشد و جامعه در مسیر رشد گام بردارد. بهترین راه واکاوی نظر اسلام در این مسئله، مراجعه به کتاب خدا، سنت و سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع) است چرا که: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أُمُورَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرْطِي أَهْلَ بَيْتِي» (الکافی، ۱۴۰۷ق، ص. ۴۱۵ ج. ۲)، این کاری است که این پژوهش، مسئولیت انجام آن را به عهده دارد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

این پژوهش به دنبال آن است که مهم‌ترین اصول ارتباط اجتماعی زن و مرد را مطابق موازین شرعی و برگرفته از سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع) تبیین کند تا بتواند کمکی در فضاسازی ارتباطات صحیح در جامعه بر محور دین و توحید

باشد. بر این اساس، دو سؤال اصلی مطرح است:

- سیره و روش انبیاء الهی(ع) در ارتباط با جنس مخالف چگونه بوده است؟
- سیره اولیاء الهی (ائمہ معصومین(ع) و بانوان معصومه از خاندان اهل بیت) در ارتباط اجتماعی با جنس مخالف به چه شکلی بوده است؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در میان پژوهش‌های فراوان انجام شده در حوزه‌ی مسائل زنان، تنها بخش محدودی به موضوع ارتباط زنان و مردان در اجتماع پرداخته است. کتب معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، حسن صادقی زفره (۱۳۸۲)، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما؛ «احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آن»، سید مسعود معصومی (۱۳۷۳)، دفتر انتشارات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم و پایان نامه‌ی «سبک زندگی اسلامی با رویکرد معاشرت با نامحرم از منظر آیات و روایات»، زهراسلگی (۱۳۹۳) دانشکده الهیات دانشگاه قم؛ «روابط متقابل زن و مرد در قرآن کریم»، مصطفی زمانی (۱۳۸۹) دانشگاه اصفهان؛ «حدود معاشرت با نامحرم از دیدگاه فقه»، اسدالله حسینی (۱۳۸۴)، جامعه المصطفی العالمیه و «آثار و احکام فقهی روابط زن و مرد نامحرم»، ثریا هراتی بیرانوند (۱۳۸۷)، دانشگاه پیام نور تهران و مقالات «ارتباط غیفانه به مثابه نظریه‌ای فرهنگی - ارتباطی»، محمدتقی کرمی و سیدعبدالرسول علم‌الهدی (۱۳۹۴) نشریه‌ی معرفت فرهنگی اجتماعی؛ «هنجارهای اخلاقی حاکم بر ارتباط با ناهمجنس در قرآن»، آرشام زاده عبداللهی (۱۳۹۸) نشریه اخلاق از جمله پژوهش‌ها در موضوع است که عمده‌ی تمرکز آنها بر نحوه‌ی رفتار زن در جامعه بوده و به نمونه‌های رفتاری مردان اشاره‌ای نشده است. وجه تمایز و نوآوری این پژوهش این است که با استفاده از سیره و روش انبیاء و اولیاء معصومین(ع)، نفس روابط زن و مرد را بدون تمرکز بر یک جنس، مورد بررسی قرار داده و به مهمترین اصول ارتباطی بین دو جنس دست یابد.

۳. تعریف مفاهیم

۳-۱. اصول

«اصول»، جمع اصل به معنای ارکان و پایه‌های هرچیز، قواعد و قوانینی که هر علم

بر آن استوار است (دهخدا، ۱۳۷۷). مراد از اصول ارتباط اجتماعی زن و مرد، منظومه‌ای از معیارها، مبانی و شاخص‌هایی است که توسط اسلام برای ارتباط سالم و ضابطه‌مند بین زن و مرد در جامعه مطرح شده است.

۳-۲. ارتباط اجتماعی

«ربط» به معنای محکم کردن چیزی در موضعی است تا برحالت استواری بماند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ص. ۳۲. ج ۴) و «مربطه»، تحقق ارتباط بین مردم است (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۷، ص. ۷۷۱. ج ۱۶). «ارتباط» معنای مطاوعت و مشارکت دارد. بنابراین، ارتباط واژه‌ای مشارکتی، دوسویه و طرفینی است که دو طرف ربط در فعل، شرکت دارند. جامعه‌شناسان معتقدند؛ ارتباط فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از شخصی به شخص دیگر است. (ساروخانی، ۱۳۹۱، ص. ۳۰۰).

واژه‌ی «جامعه» به معنای گرد آوردن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص. ۴۷۹. ج ۱) و پیوستن بعضی از چیزی به بعضی دیگر آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۲۰۱) است. واژه‌ی اجتماع، هم‌ریشه با جامعه و عبارت از مجموعه‌ی انسان‌هایی است که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده‌اند (مطهری، ۱۳۷۴، ص. ۳۳۲. ج ۲) و با هدف مشترک، معیار معین و سنت خاص به پیروی از فردی در مکانی خاص گرد هم آمده باشند (جوادی آملی، جامعه در قرآن، ۱۳۹۱، ص. ۳۹). باتوجه به معنای این دو واژه، مراد از ارتباط اجتماعی، تمامی اشکال انتقال پیام و ارتباط میان انسان‌ها در عرصه‌ی جامعه است.

۴. روش پژوهش

این پژوهش بر پایه‌ی منابع اصیل اسلام، قرآن و سنت معصومین (ع) بنا شده است. آیات بسیاری در قرآن به آداب و شرایط حضور زن و مرد در جامعه و ارتباط با یکدیگر می‌پردازد (نور: ۲۷-۳۱؛ احزاب: ۳۲-۳۳-۵۴-۵۹ و...). اما در این پژوهش به آیاتی پرداخته شده که نمونه‌هایی عملی از شیوه‌ی برخورد انبیا الهی (ع) با نامحرم

وسیره‌ی ایشان را بیان می‌کند. بازخوانی سیره‌ی معصومین(ع) در ارتباط با جنس مخالف، روایات فراوانی نشان می‌دهد که راویان زن مطالبی را در مسائل مختلف از معصومین(ع) شنیده یا نقل کرده‌اند. این روایات، جدای از بیان حکمی از احکام عملی یا مسئله‌ای از مسائل اعتقادی و اخلاقی، از آن جهت که بیان‌کننده‌ی رفتار و سیره‌ی عملی معصوم در ارتباط با جنس مخالف و نشان‌دهنده‌ی امضای ایشان بر رفتار مردم است، قابل استناد و حجت شرعی است و می‌توان در موضوع مورد نظر از آنها بهره جست.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. سیره‌ی انبیای الهی(ص) در ارتباط با جنس مخالف

بررسی سیره‌ی انبیا، در ارتباط با جنس مخالف اولین سؤال پژوهش است که در این بخش به آن پرداخته خواهد شد.

۵-۱-۱. دیدار حضرت موسی(ع) با دختران شعیب

داستان مربوط به زمانی است که حضرت موسی(ع) از شهر مصر با حال ترس و نگرانی از دشمن به جانب مدین بیرون رفت: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبْنَا شَيْخَ كَبِيرَ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِخْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا» (قصص: ۲۳-۲۵).

عبارت «وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ» نشان می‌دهد که این دو دختر عقب‌تر از گروه مردان ایستاده و منتظر بودند، مکان خلوت‌تر شود تا به سمت چاه بروند؛ چراکه حریم میان زن و مرد، یک ارزش است که دختران شعیب(ع) آن را مراعات می‌کردند (قراش، ۱۳۸۳، ص. ۳۷. ج. ۷). واژه‌ی «تَذُودَانِ» یعنی دفع و دوری از چیزی یا محلی (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ص. ۳۷۴. ج. ۳) پس آنها به خاطر دوری از اختلاط با مردان، جلوی گوسفندان خود را گرفته بودند و در مکانی دورتر از مردان ایستاده بودند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ص. ۵۸۸. ج. ۲۴). از عبارت «قَالَتَا لَا نَسْقِي...» برمی‌آید که

دختران شعیب(ع) علاوه بر رعایت اختصار، هر دو با هم جواب موسی(ع) را می‌دهند. در ادامه‌ی آیه، از بین تمام صفاتی که این دختر داشت، صفت حیا برجسته سازی می‌شود: «تمشی علی استحیاء»؛ یعنی عفت و نجابت از طرز راه رفتنش پیدا بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۶، ج. ۱۶). این مسئله نشان می‌دهد که در تعامل دختر با پسر، شیوه‌ی حرکت، سبک سخن گفتن و نحوه‌ی لباس پوشیدن حامل پیام است و مشی مبتنی بر حیا و عفاف بسیار حائز اهمیت است.

با توجه به این آیات، مردان در جامعه باید احساس مسئولیت کرده و نسبت به زنان باحیا، بی تفاوت نباشند. حمایت از زنان یک ارزش انسانی است. اما این ارتباط باید تا حد امکان مختصر باشد. چنان‌که می‌بینیم کلام موسی(ع) با دختران خیلی کوتاه است: «قَالَ مَا خَطْبُكُمَا». ضمن اینکه موسی(ع) هر دو دختر را مخاطب قرار داده و به هر دو کمک کرد: «فَسَقَى لَهُمَا» نه به یک دختر. حضرت انجام کار برای دختران را بهانه‌ای برای نزدیکی به آنها و سوء استفاده‌ی اخلاقی قرار نمی‌دهد؛ بلکه بلافاصله محل را ترک می‌کند: «ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ» (نیکزاد، ۱۳۸۳)؛ یعنی به حد ضرورت اکتفا می‌کند.

از اینکه دختر شعیب(ع)، موسی(ع) را قوی و امین معرفی کرد، فهمیده می‌شود که آن دختر از نحوه‌ی کلام و عمل موسی و نیز از طرز به راه افتادن او تا خانه‌ی پدر و نظر نینداختن بدنبال زنان، به عفت و امانت او پی برده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۶، ج. ۱۶). چنانچه در برخی روایات نیز آمده: «وقتی موسی(ع) به سوی خانه حضرت شعیب(ع) حرکت می‌کند، دختر برای راهنمایی جلو حرکت می‌کرد و موسی(ع) پشت سرش، چون باد به لباس دختر می‌وزید و ممکن بود لباس را از اندام او کنار زند، موسی(ع) به دختر شعیب(ع) می‌گوید، من از جلو می‌روم و بر سر چند راهی‌ها مرا راهنمایی کن» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۱۹، ج. ۴). باتوجه به این رفتار حضرت موسی(ع) رعایت «حیا» در تعامل دختر و پسر، مختص دختران نیست.

۵-۲. تعامل حضرت زکریا(ع) و مریم(س)

قرآن کریم در مورد حضرت زکریا(ع) که کفالت مریم(س) را به عهده داشت،

می‌فرماید: «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (آل عمران: ۳۷). مریم سال‌ها در خانه‌ی امن خدا و تحت کفالت حضرت زکریا (ع)، پیغمبر خدا و در اطاقک بلندی در بیت المقدس به سر می‌برد، در اوقاتی که مردان بیرون می‌رفتند، پائین می‌آمد و مشغول جارو کشی خانه‌ی خدا و گردگیری نقاط آن می‌شد (دوانی، ۱۳۶۲، ص. ۷۸-۷۹).

در این آیات از جایگاهی که مریم (س) در آنجا اقامت داشته با عنوان «محراب» یاد شده است. طبق نقل برخی مفسرین محراب معادل «مذبح» اهل کتاب است که بنای کوچکی جلوی معبد با درب خاصی است که با نردبان دارای پله‌های اندک به سوی آن بالا می‌روند و کسی که در آن است، از دید اهل معبد پنهان است (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۱، ج. ۱۴). بنابراین، جای اقامت مریم (س) در معبد، جایگاهی خاص به دور از اهل معبد بوده که تنها یک در صعب‌الورود داشته و هر کسی نمی‌توانسته بر ایشان وارد شود؛ جز زکریای پیامبر (ع) (طبرسی، ۱۳۷۲، ص. ۷۳۹، ج. ۲).

از طرفی دیگر زکریا (ع)، دارای مقام عصمت است و البته در هنگام کفالت مریم (س) در سنین پیری به سر می‌برد (آل عمران: ۴۰؛ مریم: ۴). مسئله‌ی سن و روحیات اخلاقی دو طرف در نوع تعامل بین زن و مرد اثرگذار است. براین مبنا، اگر شرایط مناسب برای زنان در جامعه فراهم باشد، هیچ منعی برای حضور اجتماعی زنان و ارتباط با مردان وجود ندارد و در شرایط و محیطی سالم، زن و مرد می‌توانند با هم سخن بگویند (قرائتی، ۱۳۸۳، ص. ۵۰۶، ج. ۱).

۵-۱-۳. سیره‌ی رسول اکرم (ص) در تعامل با زنان نامحرم

علاوه بر روایات فراوان پیرامون تعامل پیامبر (ص) با زنان، یک آیه به ارتباط مردان نامحرم با همسران پیامبر (ص) اشاره دارد که همگی با موضوع ما مرتبط است.

۵-۱-۳-۱. رعایت حریم با همسران پیامبر (ص)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَظِيرِ مَا هُنَا» وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنَسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ

يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعاً فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...» (احزاب، ۵۳-۵۴).

خطاب آیه به مؤمنان در مورد زنان پیامبر (ص) است، ولی مسلماً این حکم اختصاص به ایشان ندارد و می‌توان با الغاء خصوصیت و تنقیح مناط، به دیگر موارد تعمیم داد. فراز ابتدایی آیه در مقام بیان نهی از دخول به حجره‌های پیامبر (ص)، بدون استیذان است که در آیات دیگر (نور: ۲۷-۲۹) و در روایات نیز بر این امر تأکید شده: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجَالُ عَلَى النِّسَاءِ إِلَّا بِإِذْنِهِنَّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۵۲۸، ج. ۵).

«انس»، الفت گرفتن به چیزی و «استیناس» عملی است که به این منظور انجام شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۵۳، ج. ۱۵)، عبارت «لَا مُسْتَأْنَسِينَ لِحَدِيثِ»، یعنی پس از صرف غذا، مجلس انس و گفتگو در خانه‌ی پیامبر، تشکیل ندهید. این دستور در واقع برای جلوگیری از استیناس با اعضای خانواده‌ی پیامبر (ص) بیان شده است؛ چرا که چنین کاری سبب اذیت و آزار رسول خدا می‌شود.

از عبارت «إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعاً فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» نیز برمی‌آید که مردم اگر ناگزیر شدند می‌توانند با همسران آن جناب از پس پرده صحبت کنند. «حجاب» تنها یک معنای حقیقی دارد و آن منع از رسیدن و وصول چیزی به چیز دیگر (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۴۳، ج. ۲). «حجاب» آن چیزی است که حائل و مانع از رسیدن دو چیز و یا اثر آن دو به یکدیگر است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ص. ۱۹۵، ج. ۲). اکثر قریب به اتفاق مفسران، واژه‌ی «حجاب» را در این آیه به «ستر و پرده» معنا کرده‌اند؛ بنابراین این آیه به مردان دستور می‌دهد هنگام صحبت کردن با زنان پیامبر و به طور کلی زنان نامحرم، سعی کنند رودرروی آن‌ها قرار نگیرند، بلکه با رعایت حریم و عدم اختلاط به سخن گفتن با ایشان بپردازند.

۵-۱-۳-۲. پاسخ به سؤالات و حل مشکلات زنان

زنان به فراگیری مسائل و معارف اسلامی اهتمام بسیاری داشتند و در این راستا پرسش‌های فراوانی از پیامبر اکرم (ص) می‌نمودند و گاه باعث نزول وحی می‌شدند (طبرسی ح.، ۱۴۱۲ق، ص. ۵۶۰، ج. ۸).

نقل است اسماء بنت یزید نزد رسول خدا(ص) و اصحابش وارد شده و گفت: «من از طرف زنان خدمت شما آمده‌ام...، ما طایفه‌ی زنان محصور در چهار دیواری خانه‌ها و تحت سیطره‌ی مردان هستیم، درعین حال، اساس خانه و زندگی شما مردانیم. مائیم که شهوات شما را بر می‌آوریم و به فرزندان شما حمله می‌شویم و اما شما مردان در دین اسلام برتری‌هایی بر ما یافته‌اید، شما به نمازهای جمعه، و جماعت و جهاد و... می‌روید، آیا در اجر و ثواب با شما شریک نیستیم؟»، حضرت به اصحاب فرمود: «آیا سخن هیچ زنی بهتر از سؤال این زن درباره امر دینیش شنیده‌اید؟» آنگاه رسول خدا(ص) فرمود: «ای زن برگرد و به همه‌ی زنانی که این سؤال را دارند، اعلام کن همین که شما به خوبی شوهرداری کنید، خشنودی او را به دست آوردید، اجر همه اینها معادل است با اجر همه‌ی آنهايي که برای مردان شمردی...» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۵۳، ج. ۲).

این روایت بهترین نمونه از تعامل پیامبر(ص) با زنان است. توجه به فضای وقوع این جریان در آغاز شکل‌گیری حکومت اسلامی در مدینه و در حضور اعرابی که برای زنان جایگاهی قائل نیستند، نشان از جرأت این زن دارد. پیامبر اکرم(ص) در چنین شرایطی نه تنها برخورد منفی ندارند، بلکه سخنان او را شنیده، تأیید می‌نماید و در عین حفظ حریم‌ها به گونه‌ای برخورد می‌کنند که منزلت اجتماعی او تقویت و حفظ شود. در نقل‌های دیگری، زنان به خدمت پیامبر(ص) رسیده و مشکلات خویش را مطرح نموده و حضرت با صبوری، سعی در حل مسائل ایشان دارند. (راوندی، ۱۴۰۹ق، ص. ۵۱، ج. ۱).

دقت در این‌گونه احادیث نشان می‌دهد که زنان در عین این‌که در حجابند و مسئولیت آنها اداره‌ی امور منزل است؛ در عین حال ممنوع از مراوده با ولی امر و نیز تلاش در حل مشکلاتی که احیاناً پیش می‌آید، نبوده‌اند و این همان آزادی عقیده‌ای است که اسلام همیشه از آن سخن می‌گوید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۵۰، ج. ۴).

۵-۳-۳. حضور زنان شاغل خدمت پیامبر اکرم(ص)

برخی زنان با شغل‌های مختلف خدمت رسول خدا(ص) رسیده و حضرت به فراخور

نیاز به ایشان مشاوره تخصصی می دادند. نقل شده که زینب عطف فروش به خانه رسول خدا(ص) نزد زنان و دختران آن حضرت رفت. در این هنگام حضرت(ص) وارد خانه شد و فرمود: هنگامی که تو نزد ما می آیی، اتاق های ما خوشبو می شود. زینب گفت: خانه شما به بوی عطر شما خوشبو تر است. پیامبر(ص) به وی فرمود: وقتی می فروشی، نیکو بفروش و نیرنگ به کار نگیر که این کار به خداترسی همسازتر و مال را پایدارتر می سازد. (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص. ۲۷۶)

از این گونه روایات برمی آید که پیامبر(ص) بدون هیچ معذوری به زنان شاغل مشاوره تخصصی می داد؛ جالب اینکه شغل هایی که پیامبر مورد تایید قرار می دهد و زنان را در انجام آن ها سفارش می کند، بیشتر مشاغل صرفا زنانه است چون آرایشگری (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص. ۳۶۰، ج. ۶) و یا مشاغلی که بیشتر مشتریان آن، زنان هستند مثل عطفروشی.

۵-۳-۴. حضور پیامبر اکرم(ص) در خانه‌ی زنان نامحرم

برخی از تعاملات پیامبر(ص) با زنان مصیبت دیده است که عزیزان خود را از دست داده‌اند. آنگاه که جعفر بن ابیطالب در نبرد موته شهید شد؛ پیامبر(ص) به خانه او رفته و فرزندان او را در آغوش گرفت. اسماء گفت: «گویا فرزندان من یتیم شده‌اند که این چنین رفتار می کنید». پیامبر(ص) فرمود: «آیا نمی دانستی که جعفر شهید شده؟» اسماء شروع به گریه کرد. حضرت فرمود: «سخنی ناپسند نگو، جبریل به من خبر داد که خداوند دو بال به او عطا کرده که با آن ها در بهشت پرواز می کند...» (قمی، ۱۴۱۴ق، ص. ۵۹۳، ج. ۱). ام هانی خواهر امام علی(ع) یکی دیگر از زنان آسیب دیده ای است که رسول خدا(ص) در موقعیت های مختلف در خانه‌ی او حضور می یابند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۱۵۸، ج. ۸۰).

با دقت در رفتار پیامبر اکرم(ص) در طول دوران رسالت، شاهد آن هستیم که ایشان همواره در معاشرت با زنان به شیوه‌ی معقول، معمول، منطقی و انسانی رفتار می کنند. حضور پیامبر در خانه‌ی زنانی که همسران خویش را از دست دادند و رسیدگی به ایشان نیز از جمله‌ی این امور است که موجبات تسلی خاطر

بستگان شهدا و انس و الفت ایشان با حکومت اسلامی می‌گردد.

۵-۳-۱. فراهم‌سازی شرایط برای حضور سالم بانوان در جامعه

پیامبر اکرم (ص) برای فراهم‌سازی شرایط مساعد برای حضور بانوان در جامعه نیز اقداماتی انجام دادند که مهم‌ترین آنها جداسازی حریم‌های خاص زنان و مردان بود که از مسجد و به صورت تدریجی اجرا شد. چنان‌که نقل شده، زمانی که حضرت دیدند زنان و مردان در راه مسجد با هم اختلاط دارند، فرمودند: «زنان نباید در جامعه از وسط جاده عبور کنند و بلکه باید همیشه از دو طرف آن، یعنی از کناره‌های آن راه روند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۵۱۸، ج. ۵) و در مرحله‌ی بعد دستور دادند درب ورودی جداگانه‌ای برای زنان قرار دهند (سجستانی، بی تا، ص. ۱۵۶، ج. ۱). بعدها غمر صریحاً نهی کرد که مردان از آن در وارد شوند و نیز روایت شده؛ پیغمبر اکرم (ص) دستور داد که شب هنگام که نماز تمام می‌شود، اول زنها بیرون بروند بعد مردها. رسول خدا (ص) خوش نداشت که زن و مرد درحال اختلاط از مسجد بیرون روند، زیرا فتنه‌ها از همین اختلاط‌ها برمی‌خیزد (مطهری، ۱۳۷۴، ص. ۵۴۶، ج. ۱۹).

این روایات از یک سو نشان‌دهنده‌ی آن است که رفت و آمد زنان در معابر عمومی موجب جلب توجه مردان نامحرم می‌شود و شاید منجر به اعمال نامطلوب و منفی شود و از سوی دیگر، نباید مانع از رفت و آمد زنان شد و آنان را در خانه حبس نمود؛ بلکه باید شرایط مساعد برای حضور ایشان را فراهم نمود تا کمتر مورد توجه واقع شوند.

۵-۲. سیره‌ی اولیاء الهی (ع) در ارتباط با جنس مخالف

روایات بسیار پیرامون سیره‌ی ائمه معصومین (ع) و بانوان معصومه (س) در ارتباط با جنس مخالف وجود دارد که سؤال دوم این مقاله است.

۵-۲-۱. سیره‌ی امیرالمومنین علی (ع)

از آنجاکه اصول حاکم بر زندگی امام علی (ع) در همه ابعاد مبتنی بر قرآن و سنت پیامبر (ص) بوده، ایشان نیز همچون پیامبر (ص) چه در مقام امام مسلمین و چه در

مقام حاکم دینی به اشکال مختلف با زنان جامعه در تعامل بودند.

۵-۲-۱. پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی و اعتقادی بانوان

در روایات بی‌شماری مشاهده می‌شود که امیرالمؤمنین(ع) چه پیش از دوران حکومت و چه پس از آن، در مقام پاسخ‌گویی به سؤالات مختلف بانوان برمی‌آیند. «حبابه والیه» از بانوان راوی حدیث شیعه (کشی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۱۴-۱۱۵) می‌گوید: «خدمت علی(ع) رسیده، عرض کردم: دلیل بر امامت چیست؟ آن حضرت با دست خود اشاره به ریگی که روی زمین افتاده بود، کرد و فرمود: آن را نزد من بیاور. من آن ریگ را برداشتم و به ایشان دادم، حضرت ریگ را در کف دست خود نرم کرد، سپس با نگین انگشترش آن سنگریزه را مهر کرد، سپس فرمود: ای حبابه! هرگاه کسی ادعای امامت کرد و توانست چنان‌که دیدی بر سنگریزه‌ای مهر بزند، پس بدان که او امام واجب‌الاطاعة است...». حبابه پس از امام علی(ع) به محضر سایر امامان معصوم تا امام رضا(ع) رسید و همه‌ی حضرات سنگریزه را با نگین انگشتر خود مهر کردند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۴۶، ج. ۱)

۵-۲-۲. رسیدگی به مشکلات بانوان

یک بررسی اجمالی در سیره‌ی امام علی(ع) نشان می‌دهد که آن حضرت در موارد بسیاری با زنان در جامعه تعامل دارند. زنان در موارد بسیاری از قضاوت‌های علی(ع) در مقام شاکی یا متهم، حضور دارند (قرشی، ۱۴۲۳ق، ص. ۴۳-۴۷-۵۳-۵۹، ج. ۹). در موارد دیگر، حضرت در مقام امام یا حاکم اسلامی، سعی در رفع مشکلات بانوان و برقراری عدالت دارند. در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که زنی نزد علی(ع) آمد و گفت: «شوهرم به من ستم کرده و مرا از خانه بیرون رانده است و سوگند یاد کرده که مرا کتک زند...»، علی(ع) پس از اندکی درنگ فرمود: «می‌باید حق ستم‌دیده بدون دشواری ستانده شود»، آنگاه به سوی خانه‌ی زن رفت... (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ص. ۱۰۶، ج. ۲).

۵-۲-۳. عدم معاشرت امام علی(ع) با زنان جوان

امیرالمؤمنین(ع) به عنوان مرجع دینی و حکومتی مردم جامعه در عین تعامل با

زنان در جامعه، حریم خویش را با زنان جوان حفظ کرده و حتی در سلام کردن به ایشان احتیاط می‌کنند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «رسول خدا(ص) به زن‌ها سلام می‌کرد و شیوه امیرالمؤمنین علی(ع) هم این بود که به زن‌ها سلام می‌کرد و خوش نداشت که به زن‌های جوان سلام کند و می‌فرمود: «می‌ترسم آوازش مرا خوش آید و زیادت‌ر از آن جاری که می‌جویم به من رسد» (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۲ق، ص. ۴۶۹، ج. ۳).

در این حدیث، حضرت امیر(ع) حکمت این رفتار را وسوسه‌ی نفس در شنیدن صدای نازک زنان جوان می‌داند. چراکه اصل سلام کردن در ادبیات دینی و اسلامی برای ایجاد مهر و محبت بین مردم است؛ ولی در مقابل جنس مخالف که رعایت حریم بین آنها لازم است، آثار ناخوشایندی خواهد داشت؛ به ویژه اگر در شرایط خاص و با لحن و حالت ویژه‌ای ادا شود که غالباً همراه با تواضع است (طاهری نیا، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۹)، چنان‌که حضرت در روایتی دیگر گفتگو با زنان نامحرم و نگاه دوختن به آن‌ها را سبب نزول بلا و منحرف شدن دل‌ها می‌داند (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۵۱).

۵-۲-۴. امر به غیرت مردانه

مولی علی(ع) رعایت عفاف در روابط زن و مرد را مسئولیتی دو جانبه (از زن و مرد) می‌داند و مسئولیت مردان را مهم‌تر دانسته و این امر را مقدمه‌ی تقوای رفتاری زنان و تداوم آن می‌داند؛ لذا به غیرت مردان در مقابل حیای زنان امر می‌نماید. امام صادق(ع) نقل می‌کند که امیرالمؤمنین در فرمایشی نسبت به مردم عراق می‌فرماید: «به من خبر رسیده است که زنان شما در بین راه با مردان برخورد می‌کنند و آنان را کنار می‌زنند. آیا حیا نمی‌کنید؟» و در حدیث دیگری آمده: «آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید که زنان شما راهی بازارها و مغازه‌ها می‌شوند و با افراد بی‌دین برخورد می‌کنند» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۹۳۹). مقصود روایت این نیست که چرا زنان اهل عراق به رفت و آمد در خیابان و بازار مبادرت می‌کنند؛ بلکه گفتار حضرت متوجه سهل‌انگاری مردان در نحوه‌ی حضور اجتماعی زنان بوده و ایشان را در غیرت نورزیدن نسبت به زنان‌شان سرزنش

می‌کنند، به قرینه‌ی سخن رسول‌الله(ص) که پیش‌تر نقل شد، حضرت علی(ع) زنان اهل عراق را امر کردند به هنگام رفت و آمد باید از کنار راه عبور کنند تا برخوردی با مردان پیش نیاید، اگر غیر این اتفاق افتد، نشانه بی‌غیرتی اهل آن شهر است.

۵-۲-۲. سیره‌ی حضرت فاطمه زهرا(س) در ارتباط با نامحرم

یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی در مکتب حضرت فاطمه زهرا(س) رعایت حریم با نامحرم و حفظ حیا است. در روایتی معروف، نقل شده که پیامبر(ص) از حضرت زهرا(س) پرسیدند: «چه چیزی برای زن بهتر است؟» حضرت(س) در پاسخ گفتند: «این که زن، مردی را نبیند و نیز مردی وی را نبیند» (قمی، ۱۴۱۴ق، ص. ۷۰۴، ج. ۲).

استعمال کلمه‌ی «خیر» در این روایت، یک توصیه‌ی اخلاقی ترجیحی است، نه یک حکم قانونی تکلیفی و در صورت عدم وجود رجحان و ضرورت، بهترین و مطلوب‌ترین سیره برای بانوان است؛ یعنی قرار گرفتن زن در منزل و دوری او از همه نامحرمان -اگر ممکن باشد و مرجعی در کار نباشد- باعث ایجاد و دوام آرامش لازم برای انجام وظایف زنانه و مادرانه‌ی او در عرصه‌ی خانواده و در نتیجه، بهترین زمینه‌ساز کمال معنوی زن خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸). این مسئله به عنوان یک اصل در ارتباط زن و مرد شناخته شده و حکایت از ارزشمندی عدم ارتباط مستقیم زن و مرد با هم دارد.

در عین حال زندگی حضرت زهرا(س) نشان می‌دهد که ایشان حضوری اثربخش در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه داشتند و در یک رابطه‌ی متعادل با جامعه اعم از زنان و مردان بودند.

۵-۲-۲-۱. تعامل حضرت زهرا(س) با مردم

مقام و موقعیت حضرت زهرا(س) ایجاب می‌کرد که ایشان مورد مراجعه مردم قرار گیرند. علاوه بر زنان همسایه، دیگر بانوان مدینه نیز به آن حضرت مراجعه می‌کردند (عاملی، ۱۴۱۸ق، ص. ۵۳، ج. ۱). مردان نیز جهت کسب معرفت و

مطالب علمی از محضر حضرت به خدمت ایشان مشرف می‌شدند؛ چنان‌که «یزید بن عبدالملک» روایت می‌کند که بر حضرت فاطمه (س) وارد شدم، آن حضرت ابتدا به من سلام کرد و سپس فرمود: «پدرم در زمان حیاتش فرمود: هرکس بر من و بر تو سه روز سلام کند، بهشت برای او خواهد بود». عرض کردم: «این مطلب مربوط به دوران زندگی شما و آن حضرت است یا پس از فوت شما هم شامل می‌شود؟» فرمود: «در زندگی و پس از مرگ ما» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ص. ۳۶۵، ج. ۳).

علاوه بر این، خانه‌ی فاطمه (س) همواره محل مراجعه‌ی نیازمندان و فقیران بود و هرکس به آنجا مراجعت می‌کرد، نا امید بر نمی‌گشت و پیامبر اکرم (ص) نیز در موارد زیادی نیازمندان (اعم از زن و مرد) را به ایشان ارجاع می‌داد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۵۶-۵۷، ج. ۴۳)، حضرت زهرا (س) نیز در نهایت حیا و با حجاب کامل در مقابل نامحرمان ظاهر می‌شد، تا آنجا که در مقابل افراد نابینا هم بی‌مبالاتی نداشتند (مغربی، ۱۳۸۵ق، ص. ۲۱۴، ج. ۲).

۵-۲-۲. تعاملات حضرت زهرا (س) با سلمان فارسی

سلمان فارسی، بین یاران پیامبر (ص) از جایگاه ویژه‌ای داشته و کمتر کسی چون او در خانه‌ی امیرمؤمنان (ع) رفت و آمد داشته است. سلمان نقل می‌کند که حضرت فاطمه (س) نشسته بود و با آسیابی که در مقابلش بود، جو آسیا می‌کرد و دسته آسیا خون آلود بود و در این حال حسین در گوشه‌ی اطاق از گرسنگی بی‌قراری می‌کرد. من به فاطمه گفتم: «پوست دستان شما مجروح شده در صورتی که خادمه شما فضّه حاضر و بیکار است». فاطمه (س) گفت: «رسول خدا (ص) به من توصیه کرده که کار منزل یک روز به عهده من باشد و یک روز به عهده او و نوبت کار او دیروز بوده است». سلمان گوید: «پس اجازه دهید جو را آسیا کنم و یا اینکه حسین را ساکت کنم». حضرت فاطمه (س) گفت: «من بر آرام کردن حسین توانا ترم، تو آسیا کردن جو را عهده‌دار باش» (راوندی، ۱۴۰۹ق، ص. ۵۳۰، ج. ۲).

از مطالعه این‌گونه اخبار و نمونه‌های دیگر (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص.

۴۷، ج. ۴۳)، نوعی سهولت در تعاملات سلمان با زهرای مرضیه احساس می‌شود. درحقیقت ارتباط سلمان با اهل بیت ارتباط خاص و نامکشوفی است و این رابطه پس از وفات پیامبر(ص) نیز همچنان باقی ماند. سلمان از جمله عارفانی بوده که پیامبر(ص) و امیرمؤمنان(ع) پیوسته به او مطالبی از اسرار پنهانی می‌آموختند که دیگران از فهم آن ناتوان و طاقت تحمل آن را نداشتند (قمی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۴۲، ج. ۴). نکته‌ی دیگر در نوع ارتباط سلمان با حضرت زهرا(س)، سن ایشان است. درباره‌ی سن سلمان فارسی اختلاف زیادی میان مورخان وجود دارد. شیخ طوسی، سلمان را از معمرینی دانسته که حضرت عیسی را درک نمود (طوسی، الغیبه، ۱۴۱۱ق) و برخی مورخان، مدت حیات سلمان را ۲۵۰ تا ۳۰۰ سال دانسته‌اند (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۱۹، ج. ۳). آنچه از این اخبار مورد یقین است جناب سلمان در دوران کهولت سن در خدمت خاندان اهل بیت بودند. این نوع ارتباط حضرت زهرا(س) با سلمان نشان می‌دهد که شناخت درست نسبت به صفات شایسته‌ی افراد، شرایط سنّی مخاطبان و... از جمله عوامل اعتمادسازی است که می‌تواند زمینه گفتگو و رفت و آمد را -با حفظ معیارهای دینی- فراهم کند، بدون آنکه به سهل انگاری و بی‌توجهی بیانجامد.

۵-۲-۳. دفاع حضرت زهرا(س) از حریم ولایت

پس از رحلت رسول اکرم(ص)، عده‌ای از بازیگران سیاسی برای مشروعیت بخشیدن به خلیفه‌ی وقت و برحق نشان دادن آن، برای بیعت گرفتن از حضرت علی(ع) به در خانه‌ی فاطمه(س) آمدند، ولی با امتناع حضرت فاطمه(س) و دفاع ایشان از مقام ولایت مواجه شدند (هلالی، ۱۴۰۵ق، ص. ۸۶۴، ج. ۲). وقتی به در خانه رسیدند، عمر با پای خود در خانه را شکست و بر علی وارد شده، یقه او را گرفته، از خانه بیرون آوردند. فاطمه(س) از خانه بیرون آمده گفت: «ای ابو بکر و عمر! می‌خواهید مرا بیهوده کنید، به خدا سوگند اگر از او دست برندارید، موهام را پریشان، گریبانم را چاک و کنار قبر پدرم رفته، نزد پروردگارم ناله می‌زنم». ایشان از منزل بیرون شده دست حسن و حسین(ع) را گرفته روی به سمت قبر رسول خدا(ص) نهاد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۸۶)، به فرموده‌ی آیت الله جوادی آملی، این حضور دو پیام الهی و انسانی را به

همراه دارد؛ یکی عدم احتجاب زن از حقوق اجتماعی و دیگری لزوم محجوب بودن زن از نامحرم (جوادی آملی، پیام‌ها، ۱۳۷۳).

۵-۲-۴. احتجاج حضرت زهرا^(س) در مقابل مردم پس از غصب فدک

هنگامی که خبر غصب فدک به حضرت زهرا^(س) رسید، مقنعه‌اش را بر سر انداخته، خود را در چادر پیچید و به همراه گروهی از کنیزان و زنان خویشاوند خود، درحالی‌که دنباله‌های لباسش بر زمین کشیده می‌شد و راه رفتن و حرکاتش چیزی از راه رفتن و حرکات رسول خدا کم نمی‌آورد و کاملاً شبیه آن حضرت بود، از خانه بیرون آمده تا اینکه وارد مسجد شد، اطراف ابوبکر را عده‌ای از مهاجر و انصار گرفته بودند، پرده‌ای برای حضرت آویختند و حضرت در پشت پرده نشست. پس از آن، ناله جانگدازی کشید که مردم از شنیدن آن گریان شدند و خروش در جمعیت پدید آمد. سپس لحظه‌ای مکث کرده تا همه‌جمعیّت فرونشست و سخن آغاز کرد (طبرسی ا.، ۱۴۰۳ق، ص. ۹۸، ج. ۱).

نوع پوشش حضرت در ماجرای غصب فدک و رفتن به مسجد برای بیان خطبه بسیار عقیقانه و خاص است، نخست اینکه بیرونی‌ترین لباس این بانو در اجتماع، چادر بلندی است؛ به گونه‌ای که پایین آن به پای حضرت می‌پیچید، این نشان می‌دهد چادر عریض و طویل بوده است و دوم این‌که، فقط به چادر بسنده نشده و در زیر آن، روسری یا مقنعه‌ای پوشیدند. ایشان با چنین حجابی در میان مردم در مسجد حاضر می‌شود. حضرت به تنهایی به مسجد نرفته و تعدادی از محارم و زنان، وی را همراهی می‌کرده‌اند و برای رعایت حریم، پرده‌ای به احترام ایشان ایجاد می‌شود تا جایگاه ایشان از مردان جدا شود (عبدیایی، ۱۳۹۰).

این نشان می‌دهد حضرت حتی در میدان مبارزه نیز به عفاف و حجاب اسلامی بسیار مقید بوده‌اند. آن حضرت به حدی به امر حجاب و عفت اهمیت می‌دادند که حتی در بسترمرگ از کیفیت حمل جنازه‌ی خود نگران بودند و به پوشیده‌بودن و محفوظ بودن بدن خویش از دید نامحرم در هنگام حمل جنازه سفارش کردند (اربلی، ۱۳۸۱، ص. ۵۰۴، ج. ۱).

۵-۲-۳. سیره‌ی حضرت زینب(س) در تعامل با نامحرم

حیات اجتماعی حضرت زینب(س) را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد؛ قبل از واقعه‌ی عاشورا و پس از آن. این بانوی بزرگوار قبل از واقعه عاشورا در مدینه و بعدها به درخواست زنان در کوفه به تعلیم زنان می‌پرداختند. (محلاتی، بی تا، ص. ۵۷، ج. ۳).

مطابق روایات تا قبل از حادثه‌ی عاشورا، نامحرمی حضرت زینب(س) را ندیده بود (بحرانی، ۱۳۸۲، ص. ۹۵۵، ج. ۱۱)، ولی پس از شهادت امام حسین(ع)، رسالت زینب(س) آغاز شد و در سخت‌ترین شرایط جسمی و روحی، بزرگترین مسئولیت اجتماعی را به عهده گرفت و به افشاگری علیه دستگاه فاسد اموی پرداخت.

۵-۲-۳-۱. حضرت زینب(س) در کوفه در میان نامحرمان

آنگاه که کاروان اهل بیت را وارد شهر کوفه کردند، زینب(س) مصمم بود تا دل‌های کوفیان را منقلب کند. «بشرین خُزیم اسدی» درباره‌ی حضرت زینب(س) می‌گوید: «سوگندبه خدا! هیچ زن باحیایی سخنورتر از او ندیدم، چنانکه گویی از زبان علی(ع) سخن می‌گوید. بر مردم نهیب زد. نه تنها آن جماعت انبوه ساکت شدند، بلکه زنگ شتران نیز از صدا افتاد! آنگاه زینب(س) خطابه خود را شروع فرمود» (ابن طاووس، بی تا، ص. ۱۴۶-۱۴۸).

زینب(س) این خطابه را در نهایت عظمت القاء کرد و در عین حال، دشمن درباره‌ی چگونگی حضور او می‌گوید: «وَلَمْ أَرَ وَاللَّهِ خَفِرَةً قَطُّ أَنْطَقَ مِنْهَا»، یعنی حیای زنانگی او در سخنانش پیدا بود. شجاعت علی(ع) با حیای زنانگی درهم آمیخته بود، این همان نقشی است که اسلام از زن می‌خواهد؛ شخصیت در عین حیا، عفت و حریم (مطهری، ۱۳۷۴، ص. ۴۰۸، ج. ۱۷).

۵-۲-۳-۲. حضور حضرت زینب(س) در دارالاماره

شیخ مفید می‌نویسد؛ هنگامی که اهل و عیال امام حسین(ع) را نزد ابن زیاد بردند، زینب(س) درحالی که لباس‌های کهنه خود را پوشیده بود، بطور ناشناس وارد شد

و در ناحیه‌ای نشست و کنیزانش در اطرافش جمع شدند. ابن زیاد گفت: «این زن که کناره‌گیری کرد و با کنیزان خود در یک گوشه‌ای نشست، کیست؟» زینب کبری جوابی نداد. یکی از کنیزان حضرت گفت: «این بانو زینب(س)، دختر فاطمه زهرا(س) است». ابن زیاد متوجه زینب شد و گفت: «سپاس خدائی را که شما را رسوا کرد و مردان شما را کشت و سخنان شما را تکذیب نمود». زینب(س) در جواب وی گفت: «سپاس مخصوص آن خدائی است که ما را بوسیله حضرت محمد(ص) گرامی داشت» و پس از آن با خطابه‌ای محکم و عزت‌مندانه به تحقیر حکومت و ابن زیاد پرداخت (مفید، ۴۱۳، اق، ص. ۱۱۶-۱۱۷، ج. ۲).

در رابطه با نوع پوشش حضرت زینب(س) در این مجلس، تعبیر «متنکره» به کار رفته، یعنی دگرگون شده و کسی که وضع و صورت خود را تغییر داده باشد تا آنکه شناخته نشود (دهخدا، ۱۳۷۷)، این نوع پوشش و حرکت بانو در حضور حاکم جور در حقیقت نوعی تحقیر تلقی می‌شود و نشان‌دهنده‌ی اهانت به مقام امیر بود.

۵-۳-۳. سخنرانی حضرت زینب(س) در کاخ یزید

آنگاه که کاروان اسرا به شام رسیدند، یزید مجلسی ترتیب داد و دستور داد سر مطهر حسین(ع) را در برابر او حاضر سازند و زنان و فرزندان را وارد مجلس کنند و نسبت به سر بریده‌ی حضرت(ص) اسائهی ادب کرد. در این هنگام، زینب(س) قیام کرد و فرمود: «...ای پسر آزادشدگان! آیا این عدالت توست که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی و دختران پیامبر را به اسیری ببری؟ تو چادرهای ایشان را برداشتی، صورتهای آنان را باز نمودی، دشمنان ایشان را با ذلت و خواری شهر به شهر می‌برند مردم به تماشای آنان می‌آیند، اشخاص از نزدیک و دور، ناکس و شریف متوجه صورت ایشان می‌شوند. از مردان دوستی با آنان نیست، احدی از طرفداران آنان نیست که از آنان دفاع نماید...» (ابن طاووس، بی تا، ص. ۱۸۱).

حضرت زینب(س) در این مجلس نیز به دفاع از حریم حیا و عفاف برمی‌خیزند و از اینکه اهل بیت را مکشوفه‌الوجوه در میان مردان آوردند و مانند دیگر زنان در سراپرده قرار ندادند، اعلام نارضایتی نموده و بر سر یزید فریاد می‌آورد. به تعبیر مقام معظم رهبری، زینب(س) در این مجلس نشان داد که می‌توان حجب و عفاف زنانه را

به عزت مجاهدانه و به یک جهاد بزرگ تبدیل کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

۵-۲-۴. سیره‌ی امامین باقرین^(ع)

در زمان امامین باقرین(ع) به جهت اختلافات در سطح حاکمیت، محدودیت‌های ایجاد شده برای اهل بیت، کمرنگ شده و فرصتی پیش آمد تا اهل بیت بیشتر در میان مردم ظاهر شده و با ایشان به ویژه زنان در تعامل باشند.

۵-۲-۴-۱. تعلیم شاگردان زن

نهضت نشر احادیث در زمان امام باقر(ع) شروع و در زمان امام صادق(ع) توسعه یافت. وجود فضای باز سیاسی در این دوره، عطش شدیدی از سوی مسلمین برای علم‌آموزی در مکتب اهل بیت ایجاد کرده بود. در میان خیل عظیم شاگردان، زنان سهم بسیاری داشتند. عده‌ای از این بانوان، دختران، همسر، کنیزان و عروس‌ان امام بودند. بر همین اساس بانوانی چون «ام فروه» همسر امام باقر(ع)، «خدیجه» و «ام‌السلمه» دختران امام باقر(ع)، «فاطمه» دختر امام صادق(ع)، «سعیده»، «جوهره» و «سالمة» کنیزان امام صادق(ع) و... جزء محدثات شیعه به شمار می‌روند (صادقی اردستانی، ۱۳۷۵، ص. ۳۲۹، ۳۲۳، ۳۲۰، ۳۱۶، ۳۱۰، ۳۰۹، ۲۹۵). شاگردان دیگری نیز بودند که بدون داشتن رابطه نسبی و یا سببی، از دریای علمشان بهره می‌بردند. از جمله «سعیده خواهر ابن ابی عمیر» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص. ۲۰۹، ج. ۲)، «ام سعید حمسی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۷۱، ج. ۹۸) و «سالمة» خدمتگزار امام صادق(ع) (طوسی، تهذیب الحکام، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۴۶، ج. ۹)، که خود تبدیل به مرجعی دینی و شرعی برای انتقال مفاهیم عمیق شیعی به سایر بانوان مسلمان شدند.

هم‌چنین، یاران حضرت نیز با فراگیری آداب معاشرت با زنان، به تعلیم بانوان می‌پرداختند. ابوبصیر می‌گوید؛ به زنی قرآن می‌آموختم. روزی با وی شوخی کردم. وقتی خدمت امام باقر(ع) رسیدم، فرمود: «ای ابابصیر! چه چیزی به آن زن گفتی؟» من روی خود را از خجالت پوشاندم. امام فرمودند: «دیگر این کار را تکرار نکن» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۹۸، ج. ۲۰).

این روایت در شیوه‌ی تعامل با نامحرم، قابل تأمل است. زنی برای تعلیم و

فراگرفتن دانش در اجتماع حضور می‌یابد و در محضر مردی نامحرم با تحفظ و حجاب می‌نشیند، اما ذره‌ای پا فرانهادن از معیارها (شوخی)، از سوی امام مورد بازخواست و سرزنش قرار می‌گیرد. بر این مبنا، شوخی با نامحرم به هر قصدی به جهت خوف فتنه و کشیده شدن به گناه، به شدت مذموم و از حکم حرمت برخوردار است، اگرچه آن نامحرم همکلاسی و یا شاگرد انسان باشد.

۵-۲-۴. پاسخگویی به سؤالات شرعی و اعتقادی بانوان

در روایات بسیاری شاهد هستیم که زنانی غیر از شاگردان امامان بر آنها وارد شده و به راحتی سؤالات خویش را خدمت آن حضرات مطرح می‌کنند. در روایت آمده زنانی بر امام صادق (ع) وارد شدند و از آن حضرت درباره‌ی زنی زن با زن پرسیدند. فرمود: «حدّش حدّ زانی است». یکی از زن‌ها گفت: «آیا در قرآن آمده است؟» فرمود: «آری، آنان اصحاب رسّ بودند» (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۲ق، ص. ۴۲، ج. ۴).

در مواردی نیز شاهد هستیم که امام (ع) هنگامی که زنی را می‌بیند که حکم شرعی را به درستی انجام نمی‌دهد، خود وارد عمل شده و نسبت به او عکس‌العمل نشان داده و به او تذکر می‌دهند. چنان‌که امام باقر (ع) از کنار زنی که در حال احرام بود و چهره‌اش را با بادبزن که روی چهره گذاشته پوشانده بود، می‌گذشت؛ حضرت بادبزن را با چوبش از چهره‌ی زن کنار زد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۳۴۴، ج. ۴).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین ابعاد سبک زندگی اسلامی، چگونگی ارتباط زن و مرد در اجتماع است. حضور آزاد و تعامل بدون قید و شرط زن و مرد در جامعه در کنار یکدیگر با توجه به میل جنسی بشری و با در نظر گرفتن ویژگی‌هایی چون، تنوع‌خواهی و لذت‌طلبی انسان، به ویژه در جنس مرد و تمایل به خودنمایی در زن، زمینه‌ی آسیب‌پذیری اجتماعی را فراهم می‌نماید (مطهری، ۱۳۷۴، ص. ۵۴۵، ج. ۱۹). از دیدگاه اسلام راه علاج هیجان‌گریزی زن و مرد در اجتماع، وجود مرز و حدودی است که دو جنس در عین فعالیت اجتماعی در اخلاق معاشرتی خود، به آن عمل

کنند که سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی(ع) نیز بر آن تأکید دارد. مهمترین این اصول که نمونه‌های آن در سیره‌ی نمایان است، عبارتند از:

- احترام به شخصیت زن با توجه به شأن انسانی، نه جنسیت: نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه‌ی دو و نگاه اول، حیث انسانی فرد است که در آن، جنسیت نقشی ندارد؛ بلکه امری ثانوی و عارضی است که در کارکردهای زندگی (خانه و خانواده) معنا پیدا می‌کند و در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹). زن و مرد در عرصه‌ی اجتماع باید با نگاه به شخصیت انسانی یکدیگر در تعامل باشند؛ به گونه‌ای که جنسیت‌شان جلب توجه نکند، بلکه کیفیت رفتار از حیث انسانی مورد توجه و ملاک قرار گیرد. نوع برخورد پیامبر گرامی اسلام(ص) در تکریم شخصیت انسانی زنان چون «اسماء بنت یزید» و شیوه‌ی حضور حضرت زهرا(س) در مسجد در ماجرای فدک در کمال پوشش و به گونه‌ای که راه رفتن و حرکاتش چیزی از راه رفتن و حرکات رسول خدا کم نمی‌آورد و کاملاً شبیه آن حضرت بود، نمونه‌هایی از رعایت این اصل در سیره است.

- حفظ حریم و عدم اختلاط با نامحرم: حریم در اصل به معنای چیزی است که دست زدن و نزدیک شدن به آن ممنوع است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص. ۴۶، ج. ۲). چنان‌که در سیره بیان شد، رعایت حریم و پرهیز از هرگونه اختلاط از مهم‌ترین اصولی است که سبب تأمین بهداشت روانی افراد و کاهش التهابات جنسی در جامعه می‌شود. چنان‌که خداوند در آیه ۵۳ سوره احزاب پس از دستور به حریم نگه داشتن در تعامل با زنان پیامبر(ص) می‌فرماید: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ..»؛ یعنی این نوع رفتار در برابر جنس مخالف، دل‌های شما و زنان را از میل و فجور و وسوسه‌های شیطانی پاک‌تر نگاه می‌دارد (طبرسی ف. ، ۱۳۷۲، ص. ۱۷۷، ج. ۸). نوع رفتار دختران شعیب(ع) در فاصله گرفتن از جمع نامحرم، حضور حضرت مریم(س) در محرابی خاص در بیت المقدس، اقدامات رسول گرامی اسلام(ص) در ایجاد شرایط مناسب برای عدم اختلاط در جامعه، نمونه‌هایی از سیره‌ی انبیاء و اولیا در رعایت این اصل است.

- اصل حیا: حیا به عنوان موهبت فطری (اعراف: ۲۲) از مهم‌ترین عوامل

رسیدن به ارتباط عقیفانه دو جنس در عرصه‌ی اجتماع است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «ثمره الحیاء العَفَّة» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۲۷). مطابق روایات جلوه‌ی حیا و عفاف در حریم روابط اجتماعی در زنان بیش از مردان است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «حیا ده جزء دارد، نه جزء آن در زنان و یک جزء در مردان است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۲۴۵، ج. ۱۰۰). براین اساس، برجسته‌سازی صفت حیا در نقل قرآن از رفتار دختران شعیب (ع)، «تَمْشَى عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص: ۲۵) و رفتار اجتماعی حضرت زهرا (س) و حضرت زینب کبری (س) کاملاً مشهود است. - اصل غیرت: عبارت است از تغییر دگرگونی انسان از حالت عادی به طوری که انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش - اعم از دین، ناموس یا جاه - تجاوز کرده، از جای خود می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۷۵، ج. ۴) و بیشترین نمود و بروز آن در جنس مرد و در عرصه‌ی روابط اجتماعی زن و مرد است. مطابق فرمایش امام علی (ع): «دلیلُ غَیْرَةِ الرَّجُلِ عَفَّتُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۳۶۶) و «عَفَّتُهُ عَلَى قَدَرِ غَیْرَتِهِ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۷۷) بین صفت غیرت و عفت در وجود مرد رابطه‌ای دوسویه برقرار است. براین اساس خط مقدم مدیریت و صیانت از عرصه‌ی عفاف در روابط اجتماعی زن و مرد، به مسئولیت و غیرت مرد، نسبت به حریم خانواده برمی‌گردد. زنهار شدیداللعن امیرالمؤمنین (ع) خطاب به مردان و امر به غیرت در برابر زنانشان نیز از همین باب است.

- ارتباط در حد ضرورت و اختصار: از بارزترین اصول نظام روابط اجتماعی زن و مرد در سیره آن است که تا حد امکان از مراوده با یکدیگر پرهیز نموده و ارتباط را به موارد ضروری و حد اختصار تقلیل دهند. رعایت این اصل در گفتگوی حضرت موسی (ع) با دختران شعیب (قصص: ۲۳-۲۵) و اکتفا به حد اختصار در کلام و میزان ضرورت نمایان است.

با توجه به آنچه از سیره‌ی انبیاء و اولیاء الهی (ع) گفته شد، اگر زنان و مردان برپایه‌ی این اصول و مبانی و به دور از هرگونه جنسیت‌محوری وارد عرصه‌ی اجتماع شوند، آسیب‌های اجتماعی ناشی از ارتباط غیرمسئولانه‌ی زن و مرد کاهش یافته و مقدمات شکل‌گیری آرمان‌شهر و تمدن نوین اسلامی فراهم خواهد آمد.

منابع و ماخذ

قرآن کریم

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابیطالب، قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامیه.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تبریز: بنی هاشمی.
- بحرانی، عبدالله بن نور (۱۳۸۲)، عوالم العلوم، قم: موسسه الامام مهدی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم ودرر الکلم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳، ۳۹)، پیام ها، بازیابی از پایگاه اطلاع رسانی اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تسنیم، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، جامعه در قرآن، قم: اسراء.
- حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدزسین حوزه علمیه.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، بیانات، بازیابی از دفتر نشر آثار آیت الله خامنه ای.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- دوانی، علی (۱۳۶۲). زن در قرآن، بی جا: بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم- دارالشامیه.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق)، الخرائج والجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۱)، جامعه شناسی ارتباطات، تهران: اطلاعات.
- سجستانی، ابوداود (بی تا)، سنن ابوداود، بیروت: المکتبه العصریه.
- سیدرضی، محمدحسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم: هجرت.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- صادقی اردستانی، احمد (۱۳۷۵)، زنان دانشمند وراوی حدیث، قم: دفتر تبلیغات حوزه.
- صدوق، علی بن بابویه (۱۳۹۸ق)، التوحید، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- صدوق، علی بن بابویه (۱۴۱۲ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- طاهری نیا، احمد (۱۳۸۹)، حضور زن در عرصه های اجتماعی - اقتصادی از نگاه آیات و روایات، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: مرتضی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه، قم: دارالمعارف الاسلامیه.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۸ق)، مأساه الزهرا (س)، بیروت: دارالسیره.
- عبدیایی، نرجس (۱۳۹۰)، ابعاد عفاف در سیره حضرت زهرا، پژوهش نامه زنان و خانواده، ش ۹: ۱۱۱-۱۳۰.
- عروسی حویزی، عبد علی (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۵ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- قرشی، باقر (۱۴۲۳ق)، موسوعه الامام علی بن ابیطالب، قم: الکوثر.
- قمی، عباس (۱۴۱۴ق)، سفینه البحار، قم: اسوه.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، اختیار معرفه الرجال، مشهد: دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالمتبّع الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- محلّاتی، ذبیح الله (بی تا)، ویا حین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمّدی ری شهری، محمد (۱۳۸۱)، میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸)، جامی از زلال کوثر، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.
- مغربی، ابن حیون (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام، قم: موسسه آل البيت.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمی للافیه الشیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نیکزاد، عباس (۱۳۸۳)، روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام، ترویج، تعطیل، تعدیل؟، مطالعات راهبردی زنان، ۱۱۷-۱۵۱.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس، قم: الهادی.

References

Holy Quran

- Abdiyayi, N. (2011). Dimensions of Ohastity in the Life of Hazrat Zahra (Peace be upon her). *Journal of Women and Family* (9), 111-130. (In Persian)
- Ameli, J. (1997). *Ma`sat Al-Zahra (Peace be upon her)*. Beirut: Dar Al-Tafsir. (In Arabic)
- Arbali, A. (2002). *Kashf Al-Qommah Fi Ma`refat Al-Aemmah*. Tabriz: Bani Hashem. (In Arabic)
- Aroosi Hoveyzi, A. (1994). *Tafsir Noor Al-Saqaleyn*. Qom: Esmailiyan. (In Arabic)
- Bahrani, A. (2003). *Avalem Al-Uloom*. Qom: Al-Imam Al-Mahdi Institute. (In Arabic)
- Davani, A. (1983). *Woman in Quran*. No place: No publication. (In Persian)
- Dehkhoda, A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: Tehran University. (In Persian)
- Fakhr Razi, M. (1999). *Mafatih Al-Gheyb*. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Toras Al-Arabi. (In Arabic)
- Helali, S. (1984). *Book of Sulaim Ibn Qeys*. Qom. Al-Hadi. (In Arabic)
- Hurr Ameli, M. (1988). *Wasa`il Al-Shia*. Qom: Ahl Al-Beyt (Peace be upon their) Institute. (In Arabic)
- Ibn Shahr Ashoub, M. (1959). *Manaqeb Aal Abi Taleb*. Qom: Allameh. (In Arabic)
- Ibn Tavoos, A. (no date). *Al-Luhoof Ala Qatla Al-Tufoof*. Tehran: Jahan. (In Arabic)
- Ibn Fares, A. (1983). *Mo`jam Maqayees Al-Lughat*. Qom: Maktab Al-A`laam al-Islamiyah. (In Arabic)
- Javadi Amoli, A. (2007). *Data Base and Information*. Retrieved from:

- <http://www.javadi.esra>. (In Persian)
- Javadi Amoli, A. (2008). Tasnim. Qom: Isra publication. (In Persian)
- Javadi Amoli, A. (2012). Society in Quran. Qom: Isra. (In Persian)
- Kashi, M. (1988). Ikhtiyar Al-Ma`refah Al-Rejal. Mashhad: Mashhad University. (In Arabic)
- Kulayni, M. (1986). Al-kafi. Tehran: Dar al-Matba Al-Islamiyah. (In Arabic)
- Khameneyi, S.A. Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. Retrieved from: <http://farsi.khamenei.ir>. (In Persian)
- Mahallati, Z. (no date). Rayahin Al-Shari`ah. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiyah. (In Persian)
- Majlesi, M. (1982). Behar Al-Anvar. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Toras Al-Arabi. (In Arabic)
- Maghrebi, E. (1965). Da`aem Al-Islam. Qom: Aal Al-bayt Institute. (In Arabic)
- Makarem Shirazi, N. (1995). Tafsir Nemooneh. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiyah. (In Persian)
- Mohammadi Rey Shahri, M. (2002). Mizan Al-Hekmah. Qom. Dar Al-Hadis. (In Persian)
- Mesbah Yazdi, M. (2009). Jami Az Zulal Kowsar. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In Persian)
- Mostafavi, H. (2009). Al-Tahqiq Fi Kalamat Al-Quran Al-Karim. Beirut: Dar Al-Ketab Al-Elamiyah. (In Arabic)
- Motahhari, M. (1995). Collection of Works of Shahid Motahhari, Tehran: Sadra. (In Persian)
- Mofid, M (1992). Al-Ekhtesas. Qom: Al-Mu'tamar Al-Alami Le Alfiah Al-Shaykh Mufid. (In Arabic)
- Nikzad, A. (2004). The Relationship Between Men and Women from the Perspective of Islam, Promotion, Closure, Adjustment? Strategic Studies of Women (25). 117-151. (in Persian)
- Qara`ati, M. (2004). Tafsir Noor. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran. (In Persian)
- Qurashi, B. (2002). Al-Imam Ali Ibn Abi Taleb Encyclopedia. Qom: Al-kosar. (In Arabic)
- Qomi, A. (1993). Safinah Al-Bihar. Qom: Usveh. (In Arabic)

- Ragheb Isfahani. H. (1991). Mofradat Alfaz Al-Quran. Beirut: Dar Al-Qalam-Dar Al-Shamiyah. (In Arabic)
- Sajestani, A. (2012). Sunan Aboo Davood. Beirut: Al-Maktabah Al-Asreeyah. (In Arabic)
- Ravandi, G. (1988). AL-Khara`ej And Al-Jara`eh. Qom: Imam Mahdi Institute. (In Arabic)
- Sarookhani, B. (2012). Sociology of Communication. Tehran: Ittela`at. (In Persian)
- Sayyed Razi, M. (1993). Nahj al-Balaghah. Qom: Hejrat. (In Arabic)
- Siouti, A. (1983). Al-Durr Al-Mansoor Fi Tafsir Ma`sour , Qom: Ayatolalh Marashi Najafi Library. (in Arabic)
- Sadeghi Ardestani, A. (1996). Scientists Women And Narrators Of Hadith . Qom: Seminary Advertising Office. (in Persian)
- Sadugh. A. (1978). Al-Tuhid . Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic)
- Sadugh. A. (1991). Man La Yahduruhi Al-Faqih . Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Tamimi Amedi, A. (1989). Ghorar al-Hikam Va Dorar Al-Kalem . Qom: Dar al-Kotob al- Islamiyah. (in Arabic)
- Taheriniya. A. (2010). The Presence of Women in Socio-economic Fields from the Perspective of Verses and Hadiths . Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (in Persian)
- Tabatabai, S. M. (1996). Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran . Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Tabarsi, A. (1982). Al-Ihtejaj Ala Ahl Al-Lejaj . Mashhad: Morteza. (in Arabic)
- Tabarsi, F. (1993). Majma~ Al-Bayan Fi Tafsir Al-Quran . Tehran: Naserkhosro. (in Arabic)
- Tabarsi, H. (1991). Makarem Al-Akhlaq . Qom. Al-Sharif Al-Razi. (in Arabic)
- Tousi, M. (1986). Tahzib Al-Ahkam . Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamiyah. (in Arabic)
- Tousi, M. (1990). Al-Ghaybah . Qom: Dar al-Ma`aref al-Islamiyah. (in Arabic)